

هفت رنگت می‌شود هفتاد رنگ

○ سعیده موسوی

– نه، نمی‌شود. این تصمیم مهم است که به آینده و زندگی‌ات مربوط می‌شود.
* اما من در این زمینه استعداد دارم. آرزو دارم دانشگاه رشته هنر بخوانم. هنر تمام زندگی من است.

– استعدادت را بگذار برای بعد پسر جان. فردا باید یک زندگی را اداره کنی. برو دنبال یک رشته نان و آبدار. فردا باید یک زندگی را اداره کنی. برو دنبال یک رشته نان و آبدار. کدام هنرمند را می‌شناسی که گرسنگی نکشیده باشد. بیشترشان بعد از مرگ معروف و مشهور می‌شوند...

* اما من می‌خواهم نقاش شوم.
– خ ب این همه آموزشگاه. برو نقاشی یاد بگیر. اما باید بروی دانشگاه و مهندس بشوی!

دوز و کلک پوشاند. لذا دانشجو باید بکوشد در زمینه هنر اطلاعات عمومی خوبی به دست آورد و آن را با ذوق و خلاقیت خود همراه سازد.

ویژگی‌های جسمی و روحی:

دانشجوی این رشته باید ویژگی‌های روانی خاصی داشته باشد تا موفق شود. شاید به همین جهت استعداد و خلاقیت شرکت‌کنندگان در آزمون عملی سنجیده می‌شود تا بهترین و توانمندترین داوطلبان به دانشگاه راه یابند.

توانایی مالی؛ رشته نقاشی جزء رشته‌های نسبتاً گران تحصیل به حساب می‌آید. داوطلبان نقاشی باید بدانند که برای فراگیری این هنر با هزینه‌های قابل توجهی را متقبل شوند چرا که قیمت کاغذ، رنگ، لوازم مورد نیاز کارگاهی، مواد، اتود و خلاصه هزار و یک قلم وسیله مورد نیاز دیگر بالاست. پس از حالا بدانید که اگر هوس نقاشی خواندن در دانشگاه دارید باید قید بسیاری از تفریحات و چیزها و کارهای غیر ضروری دیگر را بزنید تا بتوانید هزینه‌هایتان را پرداخت کنید.

آینده شغلی

بارها خوانده‌ایم و شنیده‌ایم که یک طرح ساده از هنرمندانی چون داوینچی، ون گوگ، پیکاسو یا ده‌ها نقاش معروف دیگر به قیمت هزاران دلار در بین کلکسیونرها خرید و فروش شده اما کافی است با یک نقاش صحبت کنیم و پای درد دلش بنشینیم تا بشنویم که نقاشی یعنی عاشقی و عاشقی نیز بهایی دارد که باید آن را پرداخت و بهای نقاشی نیز تلاش کردن و رنج بردن و گاهی اجر ندیدن است. وقتی به زندگی هنرمندان معروف نگاهی می‌اندازیم در می‌یابیم که تحمل سختی و مشقت جز جدایی‌ناپذیر زندگی‌شان بوده است. البته آنچه که گفته شد درباره نقاشان مشهور و صاحب سبک صدق می‌کند و گرنه به گفته نسرین فریدونی دانشجوی نقاشی: اگر فردی نقاش بازار شود و نقاشی‌های عامه‌پسند و کپی بکشد در آمد بسیار خوبی خواهد داشت و می‌تواند از این طریق تجارت خوبی داشته باشد. البته این دسته از نقاشان نیازی به تحصیلات آکادمیک ندارند و می‌توانند با کمک کلاس‌های آزاد نقاشی هم به اهدافشان برسند. یک فارغ‌التحصیل نقاشی نباید انتظار داشته باشد که تنها منبع در آمدش تابلو کشیدن باشد بلکه باید در کنار نقاشی به تدریس این هنر حتی به صورت کلاس‌های خصوصی بپردازد و کسب درآمد نماید چرا که خود تدریس و ارتباط با دیگران، تأثیر بسزایی در دید، ذهن و اندیشه یک نقاش می‌گذارد. در کشور ما یک نقاش می‌تواند علاوه بر تدریس در آموزشگاه‌های آزاد و دانشگاه‌ها به فعالیت در مطبوعات مؤسسات انتشاراتی، صدا و سیما، فرهنگسراها، سازمان‌های مربوط مانند میراث فرهنگی، شهرداری‌ها بپردازد. بسیاری از فارغ‌التحصیلان کوشا و خلاق کارگاه‌های نقاشی خصوصی راه می‌اندازند و به همکاری با مؤسسات مختلف هنری روی می‌آورند و با انجام کارهای تبلیغاتی، نقاشی پوسترهای سنجایی، نقاشی روی پارچه و سفال و... درآمدهای خوبی برای خود کسب می‌کنند و همه

نقاشی رشته‌ای دانشگاهی

رشته نقاشی با دو گرایش نقاشی عمومی و نقاشی دیواری در سطح کارشناسی در دانشگاه‌های کشور تهیه و تدوین شده است. البته خیالتان از هر جهت آسوده باشد چون امکان ادامه تحصیل تا مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در این رشته در کشور وجود دارد و در این سطوح علاقه‌مندان می‌توانند در گرایش‌هایی مانند ارتباط تصویری، تصویرسازی، پژوهش هنر و نقاشی و... تحصیل کنند.

اگر دوست دارید در آینده نقاش شوید بدانید که حتماً باید از طریق شرکت در آزمون دانشگاهی (کنکور هنر) در این رشته پذیرفته شوید، البته این آزمون به صورت نیمه متمرکز برگزار خواهد شد به این معنا که شرکت‌کنندگان باید در امتحان عملی نیز توانایی خود را به اثبات برسانند. طول دوره کارشناسی نقاشی چهار سال و نیم و شامل نه نیم سال است و دانشجویان باید صد و شصت واحد درسی را بگذرانند.

دروس عمومی ۳۹ واحد، دروس پایه ۳۲ واحد، دروس اصلی ۲۲ واحد، دروس تخصصی در هر دو گرایش نقاشی عمومی یا دیواری ۴۹ واحد و دروس اختیاری ۸ واحد.

از همین حالا هم بدانید که بیشتر دروس در این رشته به صورت عملی هستند و دانشجویان باید ساعاتی را در کارگاه‌های تخصصی به آموزش و تمرین بگذرانند دروسی مانند: تاریخ هنر جهان، کارگاه رنگ، مبانی هنرهای تجسمی، کارگاه چاپ دستی، طراحی، آشنایی با مکاتب نقاشی، کارگاه عکاسی، انسان و طبیعت، آشنایی با هنر و تاریخ، هندسه نقوش در صنایع دستی، حجم سازی، هنر و تمدن اسلامی و... توانایی‌های قابل توجه

توانایی علمی؛ دانشجوی نقاشی باید قبل از ورود به دانشگاه با طراحی و نقاشی آشنایی داشته باشد. نقاشی مانند هر هنر دیگری کاری طاقت فرسا است و به هوش و نبوغ و شعور فراوان نیاز دارد. به عبارت دیگر دانشجوی نقاشی در طی تحصیل خود باید بیاموزد که ببیند، تحلیل کند، دانش خود را وسعت ببخشد و آنچه را که یاد گرفته در سطوح مختلف اشاعه بدهد. به همین دلیل است که اساتید این رشته معتقدند کسی که قریحه و ذوق لازم را در این زمینه نداشته باشد با ورود به دانشگاه فقط یک سری اطلاعات به دست می‌آورد و بازدهی نخواهد داشت و نمی‌تواند بی‌استعدادی، تنبلی، کم کاری و نادانی را با

شاید شما هم از این جور بحث‌ها با والدین خود بر سر انتخاب رشته داشته‌اید. چرا که هنوز عده بسیاری از والدین هنر (نقاشی) را نه یک رشته دانشگاهی بلکه یک سرگرمی و تفریح می‌دانند و دوست دارند که فرزندشان در یک رشته به اصطلاح اسم و رسم‌دار تحصیل کند و در ساعات‌های تفریح و استراحت به هنر بپردازد.

نقاشی چیست

نقاشی ابزاری است که انسان به واسطه آن افکار، اندیشه و احساس خود را بیان می‌کند افکاری که وجود خارجی ندارد و هنرمند با شیوه‌های مختلف آن را از نیستی به هستی در می‌آورد و به واسطه آن با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند.

هنرمند نقاش برای انتقال اندیشه و به فکر واداشتن مخاطب از روش‌های مختلفی در خلق اثر هنری خود استفاده می‌کند، که این باعث بوجود آمدن قالب‌های شخصی می‌شود و در نتیجه هر هنرمند به واسطه زبانی خاص در صدد بیان افکار خود خواهد بود.

در نقاشی سه نوع طرز بیان وجود دارد

۱- عینی گرای، وقتی هنر عینی گراست همه چیز همان جوری که هست کشیده می‌شود.

۲- تجربه‌گرایی، هنرمند قبلاً هر آنچه را که می‌دید می‌کشید ولی از این پس ابتدا تجربه می‌کند و با وجود وفاداری به شکل‌های طبیعی، برداشت خود از طبیعت را بر بوم نقاشی می‌کند عبارتی در ترکیب‌بندی، رنگ و کنتراست‌ها دخل و تصرف می‌کند و در نتیجه این مطالعه است که یک اثر هنری بر بوم نقش می‌بندد.

۳- انتزاعی، برخی از نقاشان پس از تجربه بسیار و ساده نمودن شکل‌ها و فرم‌ها به این نتیجه رسیدند که حتی در برخی موارد بدون اشاره به معنا و مفهوم هم می‌توان نقاشی کرد یعنی فقط با ترکیب فرم و رنگ، در این نوع از طرز بیان هنرمندان با استفاده از عدم بانمایی عینی و بیان تجسمی نوین خط، رنگ و با خلاصه نمودن مضامین و موضوعات، به عناصر بنیادین چون خط، سطح برای بیان کلیت و کلی‌گویی سود می‌جستند.

در پی این تغییر نگاه عینی به ذهنی است که سبک‌ها یکی پس از دیگری ایجاد می‌شوند که این اصلی‌ترین نکته مدرنیسم می‌باشد. (تغییر نگاه عینی هنرمند به ذهنی)



امروزه عکس بسیاری از شهدا، جنگ را بر دیوارهای شهر می‌بینیم که به خودی خود پدیده **جالب** توجهی است ولی شاید **بهتر** باشد در کنار عکس شهدا از ارزش‌های روحی و عاطفی آنها نیز تصویرهایی **کشیده** شود

این‌ها به دانش و خلاقیت فرد بستگی دارد که چگونه از هنرش استفاده نماید.

نقاشی دیواری

هزاران سال پیش انسان‌های نخستین، تصویر حیواناتی را که برای احتیاجات خود شکار می‌کردند بر دیواره محل سکونت خود یعنی دیوار غارها نقاشی می‌کردند. و از سوادری چون شاخه‌های سوخته درختان، شیره گیاهان، چربی‌های حیوانی، خاک رس و آب رنگ‌هایی با دوام پدید می‌آوردند که هنوز هم می‌توان بقایای آن را بر دیواره غارها دید. جالب است بدانید قدیمی‌ترین آثار نقاشی یافت شده در ایران مربوط به دوران نوسنگی یعنی حدود هشت هزار سال قبل از میلاد بوده که بر صخره‌های غار دوشه و در دره میرملای منطقه کوه‌دشت لرستان ترسیم شده‌اند به همین دلیل است که نقاشی دیواری را می‌توان اولین زایش راستین هنری انسان در تاریخ هنر دانست و اما امروز که از خیابان‌های شهر عبور می‌کنیم تصاویر بسیار و زیبایی از مناظر مختلف، آثار باستانی نقاط مختلف کشور، حوادث تاریخی و مذهبی، چهره پیشوایان دین در حاله‌ای از نور و گل و گاه بزرگ مردان تاریخ و جنگ را می‌بینیم که بیشترشان آثار اساتید و دانشجویهای این رشته است.

هنرمندان متعددی که کوشند با نقش زدن بر دیوارهای شهرشان نسل‌های مختلف را با تاریخ و فرهنگشان آشنا سازند. ثریا نامجو که خود از دانشجویان این رشته است می‌گوید: در طراحی یک اثر دیواری سه عنصر محیط، معماری و مخاطب باید بررسی شود و طرح پیشنهادی برای یک دیوار باید با محیط هماهنگ باشد و نیز ذهن مخاطب با مفهوم مورد نظر درگیر شود این جاست که زبان استعاره و سمبل در هنر و ادبیات متولد می‌شود. امروزه عکس بسیاری از شهدا، جنگ را بر دیوارهای شهر می‌بینیم که به خودی خود پدیده **جالب** توجهی است ولی شاید **بهتر** باشد در کنار عکس شهدا از ارزش‌های روحی و عاطفی آنها نیز تصویرهایی کشیده شود. صرف این که فقط عکس یک شهید را بزرگ کنیم کافی نیست لازم است که ارزش‌های روحی آنها حرف بزنیم. پس نقاشی دیواری بزرگ کردن عکس نیست بلکه بیان سمبلیک ارزش‌هاست. محتبی اسدی نیز در زمینه نقاشی دیواری معتقد است ماندگاری نقاشی با استفاده از مصالح مدرن است. مواد و مصالحی که در نقاشی‌های دیواری دوران انقلاب و سال‌های دفاع مقدس و شاید الان مورد استفاده قرار می‌گیرد و رنگ پلاستیک است. اما امروزه در دنیا رنگ‌هایی که برای نقاشی‌های دیواری به کار گرفته می‌شود رنگ‌های آکرولیک مقاوم در برابر آفتاب است که مانع از رنگ پریدگی آثار می‌شود.

خلاقیت حرف اول را می‌زند

سیدمحمد حسینی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته نقاشی است. وقتی موضوع گزارشم از معرفی رشته نقاشی را توضیح می‌دهم خیلی ساده و صمیمی قبول می‌کند در این زمینه با هم صحبت کنیم. می‌گوید: متولد ۱۳۵۳ هستم. از دوران کودکی

به نقاشی علاقه خاصی داشتم. در خانواده‌مان کسی نبود که این هنر را از او فرا بگیریم و آموزش نیز مانند امروز نبود. استادی نیز نداشتم. اما به نقاشی علاقه‌ای بسیار داشتم. از کلاس سوم دبستان نقشه کشورها یا هر تصویر **جالب** دیگری را که می‌دیدم می‌کشیدم تا این که در دوره راهنمایی با نقاشی بیشتر آشنا شدم و از همان زمان در مسابقات دانش‌آموزی نیز شرکت می‌کردم. با اینکه در دوره دبیرستان در مقطع‌های ترک تحصیل کردم که بتوانم تمام وقت خود را به نقاشی بپردازم، اما با راهنمایی‌های استاد عزیزم جناب آقای رحمتی مجدداً درس را در رشته‌ی علوم انسانی در پیش گرفتم و در کنار تحصیل در محضر ایشان دوره‌هایی نیز گزراندم و سال ۷۷ در کنکور هنر شرکت کردم و دانشگاه شاهد پذیرفته شدم و پس از پایان این دوره در سال ۸۴ نیز در دانشگاه آزاد کارشناسی ارشد را آغاز کردم.

حسینی می‌گوید در رشته نقاشی خلاقیت حرف اول را می‌زند. در نقاشی سبک‌های زیادی داریم مانند رئال، کوبیسم، امپرسیونیسم و ... تکنیک‌های متنوعی هم هست مثل مداد رنگی، مداد شمعی، رنگ و روغن، آبرنگ و ... به عقیده او یک دانشجو باید تکنیک‌ها و سبک‌های متنوع را تجربه و تمرین نماید و با ذوق و مطالعه و ممارست به شیوه خاص خودش برسد. فضای نقاشی من فضایی مذهبی است که بوسیله سطوح هندسی و تاکید بر رئالیسم فرم درصدد بیان تفاسیر و تعابیر شخصی هستم. سعی می‌کنم از رنگ‌ها و نقوش اسلامی استفاده نمایم و ایده و طرح خود را به شیوه انتزاعی بر سطح بوم نقاشی کنم.

آثار تان را در نمایشگاه‌ها هم شرکت داده‌اید؟

بله. در نمایشگاه‌های مختلفی شرکت نموده‌ام. در دوران دانشجویی هم در جشنواره دانشجویی دو بار مقام اول را کسب کردم و یک بار هم مقام سوم را. نمایشگاه‌های خارجی چطور؟

بله نمایشگاهی بود در سوریه با موضوع انتفاضه برگزار شد که سه اثر در آن نمایشگاه داشته‌ام.

لذت این هنر در چیست؟

وقتی آنچه را که در ذهن داری چه تلخ و چه شیرین روی بوم می‌آوری و تجسم می‌بخشی بسیار لذت بخش است. یادم است برای خلق آثارم ساعت‌ها در طبیعت کار می‌کردم و متوجه گذر زمان نمی‌شدم اما وقتی اثر خلق می‌شود درست مانند فرزند خود آدم می‌شود.

الان چقدر کار می‌کنید؟

مثل گذشته فرصت ندارم. شاید در ماه چند ساعت بیشتر نشود.

هنر جوی این رشته ویژگی خاصی باید داشته باشد؟

باید از فلسفه گرفته تا روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و ریاضی بدانند. مطالعه کند. نقاشی را بشناسد تا با مخاطب ارتباط بگیرد. کسی که دنبال هنر می‌رود باید صفاتی چون صبر، متانت و اخلاق نیکو را در خود پرورش بدهد.

برخی از جوانان هنرمند دوست دارند خود را عجیب و غریب نشان بدهند دیدگاه شما در

این زمینه چیست؟

ببینید تاریخچه هنر و فرهنگ ما کاملاً مشخص است. حالا اگر فردی بیاورد و یک سری حرکات اضافه انجام دهد که متعلق به فرهنگ ما نیست و اگر شما فقط اندکی در این زمینه اطلاعات داشته باشید خیلی زود متوجه می‌شوید که این حرکات ادا در آوردن است و ربطی به هنر ندارد.

به عقیده شما هنر ذاتی است یا اکتسابی؟

فکر می‌کنم بیشتر ذاتی باشد. علاقه و استعداد باید از درون فرد بجوشد البته مطالعه و تمرین نیز شرط است. همه می‌توانند مبانی و اصول را یاد بگیرند اما اگر ذوق درونی در کسی نباشد پیشرفت زیادی نخواهد داشت.

این رشته را به جوانان توصیه می‌کنید؟

نقاشی سفر از خلال پرده‌ی نقاشی یا از خلال کالبد منقش به نشانه‌هاست، به طور کل به تصویری می‌انجامد که در ورای دروازه‌ها حضور را می‌یابیم، زیارتی است که با رهایی و آزادی پایان می‌پذیرد.

اما اگر یک هنرجو در پی آزادی و رهایی است باید با واقعیت‌های زندگی روبه‌رو شود و در این حالت است که می‌تواند به آن برسد. نقاشی رشته‌ای پر هزینه است و در صورت به اتمام رساندن تحصیل شاید از هنر خود نتواند روزگار بگذراند و زندگی سخت و پر مشقتی را از نظر مالی در پیش رو داشته باشد.

از پدر شهیدتان هم نقاشی کشیده‌اید؟

بله. از ایشان تعدادی پرتره کشیده‌ام.

آثار کدام یک از هنرمندان را بیشتر علاقه دارید؟

آثار هنرمندانی چون رامبراند، داونچی و کاندینسکی و اساتیدی چون آقایان رحمتی، چلیپا و اسدی را خیلی دوست دارم.

هنرمند متعهد کیست؟

هنرمندانی که به ارزش‌های انسانی پایبند باشد.

